

ایوان خراب انباشته از لشکر و کسری دره قابل آنان سخن همی گوید ، تا کنون بهزاد را بکنفر طیب ایرانی میدانستند و هیچگاه بخاطر آنها نمیکذشت که وی نماینده و رسول احزاب سری و انجمنهای انقلابی باشد که در خراسان برای اخذ انتقام از دولت عرب انعقاد یافته بود مهمترین آن انجمنها اعضای ایجنه خرمیه بودند ، خرمیه جماعتی بودند که در ظاهر متمسک باسم دین شده و در حقیقت حزبی سیاسی بودند که ریاست طلبان آنانرا برای حصول و وصول خود بمقامی که در نظر داشتند بکار وادار کرده و آنها را آلت جریان مطامع و اهواء خویش ساخته بودند از جمله ارباب مطامع یاران و اصحاب ابومسلم بودند و اثره دختر ابومسلم که فاطمه نام داشت خرمیه فاطمه را بی اندازه تقدیس کرده و او را در دعا و او را خود یاد میکردند .

(پایه های تمدن ایران باستان)

بقلم آقای ظهیر الاسلام زاده دزفولی

اگر خرابه عمارتی را بنظر آورده و در آن حفاریات کنیم نخست طبقات عالیه آن دست زده کم کم بقسمتهای زیرین و بالاخره بشالوده آن خواهیم رسید که تمام عمارت بر روی آن پایه ها استوار و اگر خراب شده بواسطه سستی آنها بوده است . تمدن بشری نیز مانند خانه ایست که امروزه در اروپا معمور و در مشرق خاصه ایران ویرانه را میماند بطوریکه جمعی را عقیده بر این شده که شالوده تمدن ایرانی از اصل محکم نبوده والا بایستی برای همیشه پایدار بماند . (۱)

این نظریه یک حس کنجکاوی در ما ایجاد مینماید که حاصل آن پی بردن از نتایج بمقدمات و از حال بماضی است و بر روی همین زمینه این مقاله را در

(۱) این نظریه را چندی پیش در یکی از مجلات انگلیس خوانده ام .

تحت عنوان فوق می‌نکارم تا ثابت شود که اجتهاد آقایان در مقابل حس است نه نص بشر از بدو موقعی که بتمدن (شهرنشینی) گرویده و بر کسب طبیعی خود (چوپانی و زراعت) قناعت نکرده و بفکر ابداع و اختراع افتاده و بالاخره خواسته فهم حقایق کندکلیه دوا مر مهم ایجاد و در کیتی بیادگار گذارده که این دو بنام علم و صنعت (دانش و هنر) امروزه طراز عالم و پایه افیخار بنی آدم بر سایر موجودات است یعنی یا استفاده از قوای دستی کرده یا از تراوشات فکری و مغزی مستفید شده بلکه باید گفت همینطور که الکتریک در اصل یک قوه و نسبت بقوه زمین به منفی و مثبت تقسیم گشته دانش و هنر هم در حقیقت یک چیز ولی نسبت بطرز اعمال مردم باقسام دوگانه یا بیشتر منقسم شده و میتوان گفت کارهای مغزی جزو علم و کارهای دستی در جر که صنایع محسوب میشود - با توجه بمطالب ذیل روشن میشود که حکمای قدیم را با حکمای حالیه در تقسیم علوم نظریات مختلف است چنانچه برخی طبر را جزو ریاضیات محسوب داشته و دسته از علوم طبیعی بشمارش در آورده اند من هم در این باب میتوانم عقیده خود را بگویم که علم عبارت است از یک سلسله اطلاعات و تجربه که در قسمتی از زندگی انفرادی یا اجتماعی کمک کند و راه فکر و عمل را برای اشخاص باز نماید و سه قسمت بیشتر نیست .

۱ - علم خود داری که روح و عقل و جسم را تربیت نماید و انسان را از دردهای ظاهری و باطنی مبرا سازد این علم شاه راه سعادت و کسب بانی عمل نمود برای همیشه خوش بخت و خوشوقت است (علم طب و اخلاق مربوط باین قسمت است .

۲ - علم مردم داری که انسان با هر کس و هر چیز مطابق حکمت و فواید

صحیح رفتار کند (سیاست و علم اجتماعی در این قسمت داخل است)

۳ - علم خدمتگذاری که وسایل علوم مزبوره را تهیه کند و جامعه بشری

را باسایش کمک کند (که صنعت و هنر یا کار دستی اختصاص باین قسمت دارد) آثار صنعتی یا کارهای دستی ایرانیان که یکی از مهمترین پایه‌های تمدن کیتی است بحمدالله از فوق جبال بی‌ستون و وسط جلگه‌های فارس تا تخت خرابهای شوش آشکار و مورخین در تمجید و تقدیس آن هزاران صفحه نگاشته و پس از سه هزار سال هنوز اشخاص برجسته و مردمان حساس برای تماشای آنها صدها فرسخ راه طی کرده و از روی صفا و مروت صفا و مروه کعبه آثار ایرانی را ساجدند و اشخاصی مانند شوالیه شاردن - مستر لوفتوس - مسیود لافدا - مستر رالتسون - زاره و کوسویج و صدها از چیز فهمان مغرب زمین در این موضوع کتابها نوشته و داد معنی داده اند مخصوصاً موقعیکه نمایشگاه صنایع ایران را در قصر بریستنگ در لندن افتتاح نمودند آوازه جدیدی در دنیا افتاد و مهمترین شاهدکار دست بشر را مردم اروپا دیدند و آنچه باید بفهمند فهمیدند . این نکته ذیل خیلی جالب دقت و توجه است من در همان ایام کتابی که راجع بصنایع ایران تالیف شده و شرحی از نمایشگاه و اشیاء آنرا انتشار داده از لندن خواستم معلوم شد چاپ اول آن در ظرف چند روز تمام شده و چاپ دوم نیز در شرف تمام شدن است این کتاب بنام Borsani Ort اشتهار دارد و برای اهل ذوق ارمغان مهمی است که چیز فهمان را برداشتن آن توصیه مینمایم .

نگارخانه علم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالیم علم انسانی

نظر بانیکه کتب و تألیفات هر قومی نمونه علم آنان است و من سابقاً مفاد مختصری راجع بان نوشته و در مجله ارمغان چند سال پیش انتشار داده ام از تکرار خودداری کرده و در قسمت دوم که صنایع است قلمفرسائی مینمایم .

﴿ صنایع یا هنر ایران باستان ﴾

۱ - صنعت بمعنی حجاری بنظر میرسد اولین قدمی که بشر در راه تمدن برداشته استفاده از سنگ بوده . برداشتن سنگ و پرت کردن آن اولین ساعت دوره

حجری است که بعدها تیرها و آلات قاطعه دیگر از آن ساخته شده و بالاخره ساختمان عمارات سنگی و تزئین آن بانوک تیشه حاکی از سیر تکاملی حجاری است و باامعان نظر در حجاری بیستون - تخت جمشید - شوش - و طاق بستان میتوان تصدیق کرد که مهمترین استادسنگ تراش ایرانی و بزرگترین آثار آن در ایران و قدیمترین قسمتهای آن حجاری این مملکت است . با مطالعه آنیکه من در حجاریهای استخر و شوش و طاق بستان کرده ام دو چیز از آن مرا زاید الوصف حیران ساخت نخست حجاریهای تخت جمشید که بر سنگ خارا چندین جا شکل داریوش منقور و جزئیات نازک کاری در هر عضو از صورت این پادشاه با جلوه مخصوص خود نمائی میکنند و از روی همین صور در حمام کریم خان زند در شیراز گچ بری نموده اند وقتی بین این دو کار قضاوت کنیم اندازه تفاوت آن بیشتر از تفاوت بین ماه من تامه گردون بلکه از زمین تا آسمان است اینجاست که فکر دقیق با عجز بسیار سر تذلل در قبال عظمت صنعت ایرانی خم کرده و بی اختیار صدای آفرین از دل بلند میکند بعلاوه تسطیح و صیقل کاری یک قسمت از تخت جمشید با اندازه موافق سلیقه و حسن عمل است که عمارت آینه نام یافته در موقعیکه من در اینجا گردش میکردم گاهی احساس میکردم دیگری بامن در گردش و هر جا میروم همراه من است بطوریکه نزدیک بود بهودن جن در خرابه ها اعتقاد کرده و حتی المقدور خود را جمع آوری نمایم ولی یکمرتبه ملتفت شدم که عکس من است که مانند سایه در هر قطعه سنگ افتاده و در دیوارها گاهی روشن و گاهی تاریک می نماید .

سنگهای تهستون هم چندان صاف و صیقلی است که برخی گفته اند مواد آهکی را مخلوط کرده و قالب ریخته اند و گرنه ممکن نیست سنگ را مانند بلور و آینه صاف نمود .

دیگر ریزه کاری در نوشتن خطوط پهلوئی طاق بستان، کسانی که از نوشتن خط پهلوئی اطلاع دارند می دانند برای برخی حروف یکنوع ظرافتی است که بر روی کاغذ ترسیم آن سخت است تاچه رسد برسنگ خارا مخصوصاً در طاق بستان قسمتی از آن که تخته سنگی از کوه را صاف کرده عکس شاپور - نرسی و زرتشت را بر آن حکاکی کرده اند باندازه سخت و صلب است که پس از هزار و چهارصد سال که در معرض آب باران و آفتاب تابان است هنوز کوچکترین حروف بحالت اصلی باقی مانده و موجبات تعجب نظار گیان را فراهم می سازد. مثله هاهم در این نازک کاری شریک و تیر مژگان این سلاطین سنگی در دل مردمان حساس از هریشتری مؤثرتر است - ظروف سنگ مرمر شوش که در موزه ایران مقداری هست، نیز یکی از آثار ظریف حجاری دوره ساسانی است.

۲ - صنعت معماری اگرچه معماری های تخت جمشید شوش و سایر آثار خوزستان همه جالب دقت و از آثار دیدنی است ولی دو چیز از آنها زاید الوصف شایان تمجید است یکی ایوان مداین (چون این بنا را ندیده ام اظهار عقیده در جزئیات آن نمی کنم) که پس از چهارده قرن بآن ارتفاع و مزایای صنعتی باقی و با وجودیکه هزار و سیصد و سی سال است بشر در خرابی آن کوشان است، هنوز (آثار پدید است صنایع عجم را) و بعلاوه روزگار (خراب میکند بارگاه کسری را) دیگر پل دزفول که پهنای میان ستونهای آن پانزده ذرع و طول آن متجاوز از سیصد ذرع و ارتفاعش در برخی نقاط سی ذرع است بارها تیکه های سرب که بجای ملاط دران کار رفته دیده ام و بسا زنجیر آهن که برای ارتباط سنگ ها در ستونها بکار رفته مشاهده کرده ام عجیبتر آنکه سنگهای بزرگ را که در اطراف ستونها بکار رفته یا قطعات آهن بهم وصل کرده و در جای نوك قطعات مزبور سرب نداخته ریخته اند با در

نظر گرفتن کمی وسائل ساختمان درصدها سال قبل عظمت و زحمت بنا و بانی مشهود میشود. این نکته نا گفته نماند که صنعت پل سازی در دنیای قدیم اختصاص به معمار ایرانی داشته و تا کنون مهندسين عالی مقام که پلهای عالی در ممالک متمدنه میسازند اغلب مراجعه به نقشه و عکس پلهای ایران می نمایند. پل گرد ختر - پل ترهان - بندامیر - شادروان شوشتر و غیره سرمشقهایست که برای معماران مشهور دنیا بیادگار مانده. بادقت در این انبیه معلوم می شود افزار بستن برای همچو ساختمانها چه اندازه علم و اطلاع و اسباب می خواهد تا چه رسد ساختن و بنا کردن در چندی قبل که مهندس انگلیسی يك طاق از پل دزفول را تعمیر می نمود برای تهیه وسائل افزار و مشاوره با مهندسين زبردست مجبور شد چند سفر به بصره رفته و چند ماه وقت صرف این کار شد، از همه گذشته خوش ساختی و جلوه بنائی فوق الذکر طوری است که هر انسان خوش سلیقه و باذوقی را مجذوب میدارد راستی و قار اردشیر و ظرافت پرویز در هر خشتی از خرابهای ایران دیده میشود.

۳ - کاشی سازی و سفال گری در هر يك از خرابهای ایران که نظر کنیم بدو

چشم ما به قطعات سفالی افتاده و در موجودات جزو کمبها ترین اشیاء بنظر می آید. ولی با آنکه توجهی معلوم میشود این آثار یکی از برجسته ترین صنایع ایران و امروزه که دنیا با تمدن کامل هم آغوش است حسرت می خورد که نمی تواند بظرافت آن قطعات سفالی بسازد علاوه قسمت رنگ و لعاب و نقاشی آنها هر يك در جای خود یکی از نیکوترین شاهکار صنعتی بشمار رفته و ادوار مشعشع تاریخی ایران را هر يك شاهدهی قوی است. در قسمت کاشی هم کسانی که بموزه لور رفته اند یا مرقومات مسیو دمرگان را خوانده اند تصدیق میکنند که کاشی ایران لطیف ترین کاشی دنیا و همین صنعت پس از چهار هزار سال هنوز در ایران و در گیتی از صنایع ظریفه بی نظیر بشمار میرود.

اگر هیچ دلیلی بر این مطلب نداشته باشیم عشق دانشمندان اروپا باین اثر نفیس برای ما کافی است که اکابر آنها از کوچکترین دلال ایرانی صدها تملق گفته و هزارها گول خورده‌اند تا یک تیکه کاشی شکسته بزرخریده و برای ارمغان به ممالک خویش برده‌اند - فلز کاری و معدن شناسی و استفاده از فلزات قدم دوم است که بشر برپله تمدن نهاده و با تحقیقاتی که تا کنون شده اولین قدمی که آهن از معدن درآورده‌اند بطور صحیح معلوم نیست ولی قدیم‌ترین آلات مسی را که عمرش به شش هزار سال می‌رسد در شوش پیدا کرده‌اند برای نمایش مقداری از آن در موزه لوز و شوش می‌باشد ، نیز طلا آلتیکه نمونه صنعت زرگری ایران است صفحه درخشانی از تمدن ایران را بر تاریخ عالم اضافه نموده و عقیده اروپائیان را که طلا سازی را منحصر بیونان می‌دانستند الغاء ساخت . امروز در عالم یکی از صنایع مشکل مهم مجسمه سازی است و در ممالک اروپا کارخانه‌های این کار معدودند ولی در ایران باندازه این کار رواج داشته که من می‌توانم بگویم هر شهری چندین نفر مجسمه ساز و استاد قابل در این هنر داشته . بت هائیکه در شوش پیدا شده - مجسمه هائیکه در مالمیر و شوش در آورده‌اند مخصوصاً مجسمه برونزی مالکه (ناپیرازو) که پنج خروار وزن دارد باقیافه معصوم و وقار فوق العاده یکی از شهود عادل این قضیه بشمار می‌رود . بعلاوه از گل و گیل پخته نیز مجسمه‌های بی حدی در حفریات ایران بدست می‌آیند از جمله اگر رجوع بر اپورت معارف خوزستان شود بنام (عروسک) تحقیری که از این صنعت بیمانند شده کاملاً مشهود می‌گردد .

۴ - شیشه گری و بلور سازی اگرچه کشف شیشه را به فنیقیها نسبت داده و مخترع آنرا غیر از ایرانی می‌دانند ولی شیشه گری در ایران چندان ترقی نمود

که دردنیای قدیم نظیر و همسری نداشت . من گیلاس بلوری را که در شوش دیدم اگر چه آثار قدمت آن را مشخصاً تشخیص نمی دادم بایستی بقران بیستم نسبتش دهم زیرا شفافی تراش و خوشکلی آن باندازه بود که بهترین لیوانهای اروپا را توانستم بر آن ترجیح دهم و مطابق تحقیقاتی که شده از صنایع دوره ساسانی بود .

بقیه دارد « آثار معاصران »

اثر طبع آقای میرزا حسن خان بدیع

غزل

مخمور جام عشقیم ساقی بیار جامی
چرخم ز کینه فرسرد ساقی مرا مدد کن
در این جهان سعادت اسمی است بی مسما
در عرصه گاه گیتی هر سو نظر فکندم
از سر آفرینش کس آگهی ندارد
ای باد صبحگاهی از انتظار مردیم
در این تن فرسوده دیدار روح بخت
روز وصال جانان صبح بهشت بودی
از یاد من نرفتی هر چند مدتی رفت
سرو و مهت نخوانم کاین هر دور انباشد
از هجر تو نزالم کاندردلم مقیمی
فالی بزین بدیعا باشد که از عنایت

مسابقه ادبی

آخرین غزل مسابقه ادبی این غزل است و عنقریب نتیجه حکمت در مسابقه
اعلان خواهد شد

تایافت بجان پیوند آنزلف دلاویزم بکباره برفت از کف سر رشته پرهیزم